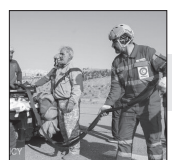


گلشن مهر شناسنامه گلستان است

چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ / سال بیست و ششم / شماره ۲۹۶۵ / صفحه ۲۵۰۰ تومان

گلشن مهر

۲



خلأمدیریت بحران در گلستان



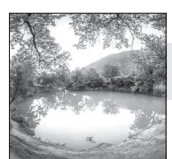
۲



سه رباعی برای تن زخمی بندر عباس



۲



گردشگری و صنایع دستی بهترین ظرفیت برای توسعه رامیان است



محیط زیست در پی خونخواهی شهید مصدق و اصلاح قوانین «۲»



ادبیات کودک و نوجوان «۴-۵»



چگونه گلستان میزبان ریزگردها شد؟ «۸»

نفس های آخر خلیج گرگان



خلیج گرگان، گوهر آبی سرزمین گلستان در ساحل جنوبی دریای خزر آرمیده است؛ پهنه ای که روزگاری با رقص ماهیان خاویاری، آواز پرندگان مهاجر و نسیم زندگی بخش دریا، قلب تپنده اکوسیستم منطقه بود اما امروز، زیر بار سنگین خشکسالی، آلودگی، سدسازی بی رویه و غفلت انسانی، این پهنه آبی در سکوتی غم انگیز به سوی نابودی می رود. به گزارش ایرنا، خلیج گرگان نه تنها پناهگاه طبیعت و زیستگاه گونه های بی شمار، بلکه میراثی گران بها برای نسل های آینده به شمار می رفت اما کاهش سطح آب دریای خزر، انباشت رسوبات، ورود فاضلاب های شهری و کشاورزی، کم رقی شدن رودخانه های بالادست، زخم هایی عمیق بر پیکر خلیج زده اند. این بحران، تنها یک مسئله محلی نیست؛ مرگ خلیج گرگان، زنجیره غذایی دریای خزر را فرو می باشد، گونه های ارزشمندی مانند ماهی آزون برون را به ورطه انقراض می کشاند و اکوسیستم کل منطقه را به مخاطره می اندازد.

در این میان، جلسه ای با حضور کارشناسان برگزار شد تا این فریاد خاموش طبیعت شنیده شود. صاحب نظران با نقد کاستی های موجود و ارائه راهکارهایی از جنس دانش و عزم، مسیری برای احیای این میراث رو به زوال ترسیم کردند. این گزارش، حکایت چالش های بی امان خلیج گرگان، دستاوردهای شکننده و

گام هایی است که باید برای بازگرداندن حیات به این قلب تپنده برداشت. **خلیج گرگان در محاصره بحران؛ زخم های عمیق طبیعت** خلیج گرگان، همسایه تالاب میانکاله و رگ حیات گلستان، در چنگال بحران های متعدد گرفتار شده است.

کاهش سطح آب دریای خزر که سالانه بین ۱۲ تا ۲۱ سانتی متر از ارتفاع خود را از دست می دهد، کانال های ارتباطی حیاتی مانند آشوراده و خوزینی را به رگ های خشکیده ای بدل کرده و رودخانه های بالادست که زمانی خلیج را سیراب می کردند، تحت فشار سدسازی های بی رویه و کشاورزی آب بر به جو بارهایی کم جان تبدیل شده اند. آلودگی، زخمی دیگر بر پیکر این پهنه آبی است. فاضلاب خام شهرها و پساب های کشاورزی مملو از نیترات و فسفات، آب خلیج را مسموم کرده و اکسیژن را از ریه های ماهیان ربوده و رسوبات ناشی از فرسایش خاک در بالادست، مانند خنجر می کنند، عمق خلیج را کاهش داده و کانال های آن را مسدود کرده است. این مشکلات، نه تنها حیات آبزیان ارزشمندی مانند ماهی خاویاری را تهدید می کند، بلکه زنجیره غذایی کل اکوسیستم خزر را در معرض خطر قرار داده است.

ادامه در صفحه ۲



مزون نوژا

در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم شامل مانتو، شلوار، مقنعه و انواع شومیز سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴- میر مجیدی

۰۹۳۹۳۰۱۶۱۷۲ - ۰۱۷۳۲۲۲۴۸۰۲
nozhaa_collection

یادداشت اول

به بهانه روز معلم

با مسوولیت سردبیر

محی الدین عربی عارف بزرگ مسلمان است. در زندگی این عارف بزرگ نوشته اند، دایه ای داشت که به تربیت روح و روان محی الدین بسیار توجه داشت، نامش فاطمه بود. فاطمه هموار مراقب احوالات محی الدین بود و هر گاه می خواست به او اهمیت سلامت روان را تذکر دهد دست بر سینه کودک چند ساله می گذاشت و می گفت پسرم مراقب دلت باش، آن را صاف و پاک نگهدار. این عبارت به ظاهر ساده است، اما پکی روح و روان از اموراتی است که همه عارفان و بزرگان به آن توجه نشان داده اند. برای نمونه دیگر در احوال شمس تبریز نوشته اند که با آن روحیات عارفانه و آن حال و احوال خاص که گاه حتی بر مولانا سخت می آمد، دوست کافری داشت به نام شهاب هریوه، شهاب هریوه فیلسوفی غیر موحد بود و شاگردان بسیار داشت، جدای از ملحد بودن او، فلسفه دانش نیز می توانست دلیلی برای دوری شمس تبریز از او باشد اما هرگاه شمس در تنگنا می افتاد به حضور شهاب هریوه می رفت و به خاطر روح زلالش کمی با او به خلوت می نشست تا احوالش به مراد می گشت. او اقتدار به این فیلسوف کافر ارادت داشت که در مرگ شهاب گفت: خوش کافرکی بود شهاب. اینها و تاکید جناب حکیم فردوسی بر بیدار دلی و روشن روانی در جای جای شاهنامه گرانقدرش به ما می گوید که روان را باید از گرفتاری های روزمره دور نگه داشت تا پای سیر و سلوک در هم نشکند و بدون شک همراه این قلمبید. اگر بگوییم مهمترین و جلی ترین طبقه ای که می توانند و توانسته اند روح انسانهای دیگر را پاک نگاهدارند معلمان سخت کوش و درست کرداری هستند که با همه سختی های معیشتی و با همه دغلکاری ها که به سرشان می آید تلاش برای اصلاح انسان ها و تربیت دانش آموزان را رها نمی کنند و به فرزندان این آب و خاک را زندگی می آموزند. این نوشته پاسداشت معلمان عزیز این دیار است، آنها که سر به خاک فرو برده اند و آنها که هم چنان سرو قدشان استوار است. خویست به بهانه این روز از معلمانتان که نشانی دارید احوالی بپرسید و قدرتان آنها باشید.

ادامه تیر اول

صدای هشدار کارشناسان:

غفلت، خلیج را به کام نابودی می کشاند

در جلسه بررسی وضعیت خلیج گرگان، عضو هیات علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان از خطرات پیش روی این پهنه آبی سخن گفت و با نگرش شیوه‌های کنونی مدیریت منابع آبی، تأکید کرد: بی‌توجهی به مسائل حوزه‌های آبخیز بالادست، هر تلاشی برای احیای خلیج را بی‌ثمر خواهد ساخت. عبدالعظیم فاضل ورود فاضلاب، تغییر کاربری اراضی به سوی کشت‌های پرآب‌بر، ضعف در مدیریت آبخیزداری و انباشت رسوبات را از جمله معضلات اصلی برشمرد. وی پیشنهاداتی مانند مدیریت یکپارچه میان نهادهای مسئول، ساماندهی حوزه‌های آبخیز بالادست، احیای حق‌آبه زیست‌محیطی



رودخانه‌ها، جلوگیری از ورود فاضلاب، ترویج الگوهای کشت کم‌آب‌بر و مهار فرسایش خاک از طریق روش‌های نوین مانند احداث بازارچه‌های

مرزی در زمین‌های شیب‌دار ارائه کرد و علاوه بر آن، کاهش شوری آب خلیج را دستاوردی ارزشمند دانست و بر ضرورت پاسداشت آن تأکید ورزید.

خلیج گرگان فراتر از یک مسئله محلی

مدیر ماهیان خاویاری استان گلستان هم با نگاهی کلان، خلیج گرگان را نه تنها بخشی از اکوسیستم خزر، بلکه موضوعی با ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی دانست و با اشاره به تأثیر تغییرات اقلیمی و جوی بر این پهنه آبی، خواستار بازنگری در سیاست‌های موجود شد. سیدمصطفی عقیلی‌نژاد پیشنهاد برگزاری کنفرانسی ملی با حضور متخصصان، ذی‌نفعان، جوامع محلی، دانشگاه‌ها و سازمان محیط زیست را مطرح کرد تا نقشه راهی جامع برای احیای خلیج تدوین شود. وی همچنین با انتقاد از مصوبات بدون پشتوانه، مانند ماده ۶۰ قانون برنامه هفتم توسعه، خواستار برنامه‌ریزی‌های واقع‌بینانه در قالب طرح‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت شد. عقیلی‌نژاد با تأکید بر تأثیر خلیج گرگان بر زنجیره غذایی خزر و کاهش ذخایر گونه‌های ارزشمند مانند ماهی خاویاری، از ضرورت خروج تصمیم‌گیری‌ها از فضای کنونی و جلب مشارکت همه‌جانبه ذی‌نفعان سخن گفت.

خلأ مدیریت بحران در گلستان



و حوادث صنعتی، گلستان بیش از هر زمان دیگری به یک مدیریت بحران قوی، منسجم و تخصصی نیاز دارد. استانی با این حجم از آسیب‌پذیری نمی‌تواند با خلأ مدیریتی در مواجهه با حوادث احتمالی رویه‌رو باشد. مردم گلستان حق دارند بدانند چه تدبیری برای تأمین امنیت جان و مال آن‌ها در شرایط بحرانی اندیشیده شده است. انتظار می‌رود استاندار گلستان و وزارت کشور هرچه سریع‌تر نسبت به انتصاب مدیرکل مدیریت بحران اقدام کرده و این خلأ مهم را برطرف کنند. آمادگی در برابر بحران، دیگر یک انتخاب نیست؛ بلکه ضرورتی است که تجربه‌های گذشته به ما یادآور شده‌اند.

نقش کلیدی در کنترل وضعیت ایفا می‌کند؛ امری که بدون مدیرکل تخصصی، به سختی قابل تحقق است.

بار مضاعف بر دوش معاون عمرانی

در شرایط فعلی، برخی از وظایف مدیریت بحران به معاون عمرانی استانداری، سید مهدی مهبایی، سپرده شده است. با این حال، گستردگی مأموریت‌های عمرانی و توسعه‌ای معاونت عمرانی نشان می‌دهد که افزودن بار مدیریت بحران، چالشی جدی برای کارایی این بخش ایجاد کرده است. با شروع فصل بهار و تابستان و افزایش احتمال سیلاب‌های ناگهانی، طوفان‌های شدید

چند ماه از بازنشستگی مدیرکل مدیریت بحران گلستان می‌گذرد اما هنوز جایگزینی برای آن معرفی نشده است، مسئله‌ای که نگرانی‌هایی درباره آمادگی استان در مواجهه با حوادث احتمالی ایجاد کرده است. به گزارش مهر، استان گلستان با خطرهای تلخ از بحران‌های طبیعی و صنعتی همچون سیل ویرانگر سال ۱۳۹۸ و حادثه انفجار معدن زمستان پورت در سال ۱۳۹۶، همواره به مدیریتی هوشیار و آماده برای مواجهه با حوادث غیرمترقبه نیاز داشته است. با این حال، چند ماه پس از بازنشستگی قدرت‌الله حاجی‌زاده، مدیرکل سابق مدیریت بحران استان، هنوز فردی برای تصدی این مسئولیت حساس معرفی نشده است؛ خلأیی که نگرانی‌هایی جدی درباره آمادگی استان در برابر بحران‌های احتمالی ایجاد کرده است. این در حالی است که زمان بازنشستگی مدیر پیشین کاملاً قابل پیش‌بینی بود و انتظار می‌رفت که فرایند تعیین جانشین، بدون وقفه و پیش از ایجاد خلأ مدیریتی انجام شود. تأخیر در انتصاب مدیر جدید، این پرسش را مطرح می‌کند که در صورت وقوع حادثه‌ای ناگهانی، چه کسی مسئولیت فرماندهی و هماهنگی امدادرسانی را برعهده خواهد داشت؟

تجربه‌هایی که باید جدی گرفته شود

تجربه سیل بزرگ ۹۸ که خسارات گسترده‌ای به زیرساخت‌های شهری و روستایی وارد کرد و انفجار معدن زمستان پورت که جان ده‌ها کارگر را گرفت، به روشنی اهمیت مدیریت بحران کارآمد را در گلستان نمایان کرد. حوادثی که لحظات اولیه واکنش، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش یا افزایش تلفات داشتند. مدیریت بحران نیازمند تخصص، آمادگی ۲۴ ساعته و تصمیم‌گیری لحظه‌ای است. در زمان حادثه، هماهنگی سریع میان دستگاه‌ها و فرماندهی واحد

توسعه راهیان توجه به تکمیل پروژه‌های گردشگری موجود با استفاده از توان فکری نخبگان و ارائه طرح‌های جدید برای جذب سرمایه‌گذار در این شهرستان ضروری است. معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان همچنین تنوع قومیتی در راهیان یک فرصت خوب دانست و گفت: باید با تقویت اتحاد و انسجام درونی از این ظرفیت برای پیشرفت و ارتقاء شهرستان بهره برد.

این شهرستان قرار گیرد. وی بابیان اینکه راهیان پتانسل‌های بسیاری برای توسعه از جمله در صنعت گردشگری و صنایع دستی دارد که باید به آن پرداخته شود، اضافه کرد: مهمترین ظرفیت این شهرستان برای توسعه و سرمایه‌گذاری که حتی می‌توانید جایگزین کشاورزی شود گردشگری است که باید در اولویت نخست مدیران قرار داشته باشد. حمیدی اضافه کرد: برای تحقق

این ظرفیت‌ها را بهترین فرصت برای توسعه این شهرستان دانست و بر لزوم سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها تأکید کرد. به گزارش روابط عمومی، محمد حمیدی دوشنبه در مراسم معارفه سرپرست جدید فرمانداری راهیان افزود: اولویت نخست توسعه استان هم از سوی استاندار، توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری است که باید در دستور کار فرمانداران از جمله فرماندار جدید

گردشگری و صنایع دستی بهترین ظرفیت برای توسعه راهیان است

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان با بسیار مهم دانستن پتانسل‌های ظرفیت گردشگری و صنایع دستی راهیان،



حرف مردم

وقتِ گلِ نی

با گسترده‌تر شدن شهرها و خیابان‌ها و کوچه‌ها، محدوده‌ی خدمات شهری نیز افزایش یافت و اداراتی چون شهرداری، سازمان آب، مخابرات و اداره‌های برق و گاز بیش‌تر درگیر شدند. حال ببینیم که این اداره و سازمان‌های دولتی چه‌گونه خدمات خود را با وضعیت تازه هم‌راه و هم‌گام کرده‌اند. چند سالی‌ست که برخی از این اداره‌ها ظاهراً برای پیش‌گیری از رفت و آمدهای مکرر مراجعین که خود موجب هدر رفتن انرژی، ترافیک در خیابان‌ها و آلودگی هوا می‌شود، تلفن‌های سه‌رقمی در اختیار عموم گذاشته‌اند تا مردمی که نیازمند خدمات فوری هستند موضوع درخواست خود را به آن شماره‌ها بگویند، اما می‌بینیم که در عمل‌طور دیگری شده است. ظواهر امر نشان می‌دهد که گویا کارمندان بخش‌های مربوطه از مراجعات زیاد مردم و شلوغی اتاق کارشان که آرامش و آسایش را از آن‌ها گرفته است، به تنگ آمده‌اند و دیگر نمی‌توانند با خیال راحت ساعاتی را در آبدارخانه به خوردن صبحانه و گفت‌وگوهای خودمانی تحت پوشش جلسه‌ی اداری سر کنند یا سر در گوشی‌های خود بزنند و به عمه و خاله زنگ بزنند و سر فرصت گشتی هم در فضای مجازی بزنند یا با خاطری آسوده مشغول گفت‌وگو با هم‌کاران یا حل جدول شوند.
بهترین راه برای از سر باز کردن مراجعین سمج، اعلام یک شماره‌تلفن است که اغلب یک منشی تلفنی یا نوار ضبط شده‌ای پاسخ‌گوست و همیشه همان پاسخ‌های همیشه‌گی را می‌دهد: «تلفن و

نشانی شما ثبت شد. در اسرع وقت هم‌کاران ما مشکل را رفع خواهند کرد» بدون کلمه‌ای پس و پیش نکته‌ی جالب‌تر قضیه این‌که هر اداره‌ای برای شهر بزرگی مثل گرگان فقط یک پاسخ‌گو دارد. گاهی که به یکی از این شماره‌ها زنگ می‌زنی منشی تلفنی می‌گوید: «نوبت شما ۵۴» اگر هر گفت‌وگو فقط یک دقیقه زمان ببرد، باید ۵۴ دقیقه گوشی‌به‌دست یک‌لنگه‌پا در حال انتظار بمانی تا نوبت به تو برسد با همان پاسخ کلیشه‌ای همیشه‌گی. اگر دو یا سه هفته‌ی متوالی هر روز هم زنگ بزنی، همان پاسخ اولی‌ست. بی‌کم و کاست و دریغ از رسیدن زمان «در اسرع وقت» که گویا هیچ‌گاه نمی‌رسد. از جمله شماره‌های سه‌رقمی، شماره‌ی ۱۲۱ مربوط به اداره‌ی برق است. اگر درخواستی که به این شماره اعلام می‌شود مشکل شخصی باشد، مثلاً برق خانه یا مغازه‌ای به دلایل فنی قطع شده‌باشد، درحالی‌که همه‌ی هم‌سایه‌ها برق‌شان برقرار است، نسبتاً زود و به فاصله‌ی ۲ تا ۴ ساعت به سراغت می‌آیند و مشکل را حل می‌کنند، اما اگر مشکلی عمومی مطرح شود، مثلاً در باره‌ی روشنی معابر، خدا داند که چه زمانی به دادت خواهند رسید. دوستی تعریف می‌کرد که تیر برق سر کوچه‌شان که جای نسبتاً پر رفت و آمدی هم هست، لامپش سوخته بود. بیش از ۱۲ بار به شماره‌ی ۱۲۱ زنگ زد، اما همیشه جواب همان بود: «در اسرع وقت». به هم‌سایه‌ها هم گفته بود. آنان نیز چندین بار زنگ زدند، اما هیچ خبری نشد که نشد. بیش از ۱۰ بار حضوری مراجعه کرد. برخی از هم‌سایه‌ها هم چند بار مراجعه کردند، اما هنوز بعد از سه ماه رفت و آمد به اداره‌ی برق و درخواست تلفنی هنوز کسی به دادشان نرسیده و کوچه هم‌چنان در تاریکی مطلق است. زمانی را به خاطر می‌آورم که وانت‌های اداره‌ی برق با بالابر در کوچه‌ها و محله‌ها دور می‌زدند و دنبال لامپ سوخته می‌گشتند تا با لامپ نو عوض کنند، اما اینک به‌رغم مراجعات تلفنی و حضوری کسی به فریاد مردم نمی‌رسد. اگر شهر گسترده‌تر شد و تعداد مأموران اندک است، چرا متناسب با گسترش شهر بر تعداد مأموران نمی‌افزایند؟ آیا بودجه‌ی کافی برای خرید تجهیزات لازم ندارند؟ پس این‌همه پولی که هرساله

محیط‌زیست در پی خونخواهی شهید مصدق و اصلاح قوانین

خون‌خواهی این عزیز هستیم و امیدواریم متخلفان به‌زودی دستگیر شوند. رئیس سازمان محیط زیست با تأکید بر ضرورت حمایت از محیط‌بانان، گفت: اصلاح قوانین موجود، افزایش حمایت‌های قضایی، و ارتقای امکانات و ملزومات موردنیاز محیط‌بانان، از اولویت‌های ماست. انضاری ادامه داد: تمام تلاش خود را به کار خواهیم بست تا همکاران پرتلاش ما در سراسر کشور با امنیت و آرامش از طبیعت ایران پاسداری کنند. وی همچنین با اشاره به دستگیری دو مظنون این پرونده افزود: تلاش همکارانم در اداره کل محیط‌زیست گلستان با همراهی پلیس آگاهی ادامه دارد.

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۴

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ – آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:
۱- رأی شماره ۱۴۰۴/۳۱۲۱۰۰۰۰۰۵۲۸ در پرونده کالسه ۱۱۹/۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۱۴۳/۱ تصرفات مفروزی و مالکانه خاتم آباد سارلی فرزند عبدالکریم مینی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احوالی به مساحت ۳۵۸۶ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۴ فرعی از ۳- اصلی واقع در بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان به آدرس استان گلستان شهرستان رامیان روستای زینب آباد پشت پاليس راه که انتقال ملک بالواسطه از ملک رسمی (کلیه وراث فجر گنجی جلله شوران) . در صورتی که اشخاص ذی نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ تصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتابا ذکر کالسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید.و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقامات باشند.موکل به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت چالیدمانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰ (چهارشنبه) تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴ (شنبه)
لیلا کاغذلو – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان م الف ۸۵۰۵



آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۴/۳۱۲۱۰۰۰۰۰۴۴۲ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در ثبت اسناد و املاک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خاتم عصمت احمد فرزند علی به شناسنامه شماره ۵۷۵ صادره از ایران در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به شماره قطعه ۲۷۰ تفکیکی به مساحت ۱۸۹۹۹,۴۰ مترمربع مفروزی و مجزا شده از پلاک ثبتی ۳۳- اصلی بخش ۹ حوزه ثبتی کلاله انتقال ملک بالواسطه از مالک رسمی (وراث غلامرضا جهانی) محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت التقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۲/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۴/۰۲/۲۷
بهمن سارلی – رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله م الف ۸۴۷۳

معاون رییس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست ضمن ابراز همدردی با خانواده و همکاران شهید کاظم مصدق محیط‌بان گلستانی، از پیگیری جلی برای دستگیری عاملان و اصلاح قوانین حمایتی از محیط‌بانان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، شینا انصاری پس از شرکت در مراسم سوگواری شهید کاظم مصدق در کردکوی گفت: همکار پرتلاش ما، در درگیری ناجوانمردانه با شکارچیان غیرمجاز به شهادت رسید و ما امروز در کنار خانواده و همکارانش در اداره کل محیط‌زیست گلستان بودیم تا مراتب همدردی خود را ابراز کنیم. وی افزود: پیگیری

« آگهی ثبتی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۴/۳۱۲۱۰۰۰۰۰۴۴۵ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خاتم عصمت احمد فرزند علی به شناسنامه شماره ۵۷۵ صادره از ایران در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به شماره قطعه ۲۶۹ تفکیکی به مساحت ۳۶۹۹,۹۹ مترمربع مفروزی و مجزا شده از پلاک ثبتی ۳۳- اصلی بخش ۹ حوزه ثبتی کلاله انتقال ملک بالواسطه از مالک رسمی (وراث مرحوم غلامرضا جهانی) محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت التقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۲/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۴/۰۲/۲۷
بهمن سارلی – رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله- م الف ۸۴۷۵

اما کجاست فکر تازه و ابتکار عمل. با این‌همه علت اصلی، کم‌کاری و بی‌توجهی به مشکلات مردم است. مسئله‌ی اصلی این است که کارگزاران دولتی به وقت گرفتن پول از مردم همیشه و همه‌جا حی و حاضرند و زیر و زنگ، اما به وقت دادن خدمات همه‌جاشان لنگ می‌زند و انواع و اقسام بهانه‌های رنگارنگ را در آستین دارند. گاهی می‌گویند بودجه‌ی ما کم است و به ما به اندازه‌ی کافی سیم و تجهیزات دیگر نمی‌دهند، گاهی از شرایط اقتصادی و انواع سرقت‌ها یاد می‌کنند، گاهی به اندک بودن تعداد مأموران اشاره دارند و ما را به صبر بردباری دعوت می‌کنند، اما وقتی نوبت پول گرفتن از مردم شد، دو دست خودشان دارند و دو دست هم از دیگران قرض می‌کنند و رو هوا می‌فایند. مثلاً هزینه‌ی آبنorman ماهانه‌ی تلفن‌های ثابت را ناگهان از هزار و ۵۰۰ تومان با افزایشی هزار و ۱۰۰ درصدی به شانزده هزار و ۵۰۰ تومان رسانده‌اند. در کجای دنیا می‌توان ارزش یک کالا یا خدمات را یک‌باره هزار و ۱۰۰ درصد افزایش داد؟ آیا این عمل به‌نوعی دست در جیب مردم کردن و هزینه‌های اضافی را از جیب مردم تأمین کردن نیست؟ در برابر کدام خدمات؟ از سوی دیگر هزینه‌ی ماهانه‌ی تلفن را که مهلتی برای پرداخت تعیین می‌کنند، اگر یک روز در پرداخت آن تأخیر کنی، بلافاصله برایت اخطار قطع صادر می‌کنند و اگر آن آگهی را ندیده باشی یا پولی در بساط نباشد و منتظر سر برج بمانی، دیگر مهلتی نمی‌دهند. اول تلفن یک‌طرفه می‌شود و بعد هم قطع که لابد برای وصل مجدد باید هزینه‌ای بپردازی. وقتی خود حتا یک روز تأخیر در گرفتن پول از مردم را روا ندارند، چه‌گونه به خود اجازه می‌دهند برای وصل تلفنی که دست حوادث متفرقه آن را قطع کرده است، یک تا دو و حتا سه ماه مردم را معطل کنند و در عین‌حال در تمام مدت قطع بودن تلفن و عدم استفاده از آن، طلب‌کار آبنorman ماهانه‌شان هم باشند و به زور دریافت کنند. این اوضاع بی‌سر و سامان کی به سامان خواهد رسید؟ وقتِ گلِ نی!!!

اردی بهشت ۱۴۰۴

یک مخاطب نشریه

خبر

تصادف مرگبار با یک کشته و پنج مصدوم

تصادف میان یک دستگاه خودروی سواری رانا و یک کامیون ولوو در جاده کردکوی- گرگان در نزدیکی روستای کلاجان قاجار منجر به جان باختن یک نفر و مصدومیت پنج نفر دیگر شد. به گزارش مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر گلستان جزئیات این سانحه و اقدامات امدادی انجام‌شده را تشریح کرد.
قاسم غریب‌آبادی اظهار کرد: ساعت ۴۵ دقیقه بامداد، گزارش برخورد یک دستگاه خودروی سواری رانا با کامیون ولوو در جاده کردکوی به گرگان از طریق اورژانس به مرکز کنترل و هماهنگی عملیات هلال‌احمر اعلام شد که بلافاصله دو تیم از نجاتگران پایگاه هلال‌احمر کردکوی، با استفاده از یک دستگاه آمبولانس و یک خودروی نجات، به محل حادثه اعزام شدند. وی بیان کرد: این تصادف شش نفر را درگیر کرد که یکی از سرنشینان در محل حادثه جان خود را از دست داد و پنج نفر دیگر دچار مصدومیت شدند.

خود برگردم. ناگهان از آن طرف تیز دندانی را دیدم که به سمت دایناسور مادر که در کنار بچه هایش به خواب رفته بود، حمله کرد. در این نبرد سخت دایناسور مادر برای دفاع از بچه هایش هرکاری میکرد، فرق نمی کند، حیوان یا انسان باشد، مادر همیشه مادر است. اما تیز دندان قوی تر بود. دایناسور مادر زخمی شده بود، خونریزی داشت. با تمام ترسی که وجودم را فرا گرفته بود، تصمیم گرفتم به دایناسور کمک کنم که می خواست برای حفظ جان فرزندانش خود را فدا کند. آرام و شمرده شمرده حرکت کردم. چوب نازک و سرتیزی برداشتم و خودم را به پشت تیز دندان رساندم. تمام عزمم را جزم کردم و چوب را درست در قلب تیز دندان فرو کردم. به دایناسور مادر نگاه کردم. خسته و زخمی روی زمین افتاده بود. تیمارش کردم. حالا من با شجاعتی که به خرج داده بودم، در ناکجا آباد دوستی پیدا کردم. او مرا همچون فرزندانش پشت خود می گذاشت و در این بهشت ترسناک مواظبت می کرد و من در برزخی گیر افتاده بودم که راه برگشتی نبود، نا امید و خسته و گرسنه راهی شدم که از درخت شاتوتی که به واسطه ی دایناسور پیدا کرده بودم خودم را سیر کنم، مشغول چیدن بودم. به کارهایم فکر میکردم و نادم و پشیمان بودم که به حرف مادر بزرگ خود گوش نکردم و پا به آن زیرزمین گذاشتم و به آن دفتر دست زدم. ناگهان نور دیدم. پروانه هایی دیدم که بال های آنها برق می زد. به سمت آنها راه افتادم. آنقدر جذب زیبایی آنها شدم که اصلا برکه ی جلوی پایم را ندیدم و درون آن افتادم با فریاد بلندی که زدم از خواب بیدار شدم.

خورشید پشت ابر



فاطمه محمدنژاد

روزی روزگاری پسری در خانواده ای ثروتمند در سرزمینی به دنیا آمد. وقتی بزرگ شد و به مدرسه رفت همه را اذیت می کرد، چون مادرش پولدار بود و روی معلم ها و مدیرها نفوذ کامل داشت. یکی از روزها که یک دانش آموز گوشی آورده بود؛ پسر قلدر (پسر پولدار) هر چقدر تهدیدش کرد او جلوش ایستاد و گوشیش را به او نداد. پسر قلدر به شدت عصبی شد و پسر را از بالای ساختمان مدرسه انداخت پایین و پسر جان خود را از دست داد. توی دادگاه مادر به قاضی رشوه داد و قاضی به بهانه ی کمبود مدرک جرم فقط با یک جریمه ی ساده پسر را آزاد کرد. بعد از دادگاه مادر پسر فوت شده با گریه راه مادر پسر را بست و به او گفت: «تو هم مادری؟ وجدان نداری؟» او هم با خنده جواب داد: «عزیزم وجدان مهم نیست پول مهمه!» سال ها می گذرد. پسر قلدر بزرگ می شود و به جرم زورگیری و قتل دستگیر می شود. مادر پسر سریع به منشی دادگاه زنگ زد و یک رشوه ی سنگین می دهند تا پسرش را آزاد کنند، اما روز دادگاه وقتی آنها قاضی را می بینند از ترس خشکشان می زند. قاضی همان مادر پسر فوت شده بود. قاضی به پسر و به زن می گوید: «بعد از اون بی عدالتی که سرم اومد من تصمیم گرفتم هر طور شده قاضی بشم تا نذارم اتفاقی که برای من افتاده برای هیچ کس دیگه ای بیفته». بعد قاضی پسر را به جرم قتل درجه یک به حبس ابد و مادرش را هم برای رشوه دادن به مامور قانون به پانزده سال حبس محکوم می کند و آنها تازه می فهمند که حقیقت مثل خورشید است و هرگز پشته ابر نمی ماند.

درخت آرزو را پیدا کردم. در کتاب نوشته بود این ورد را بخوان تا درخت صدايت را بشنود. ورد را خواندم او چشمانش را باز کرد به او گفتم: «سلام، شما واقعا درخت آرزو هستی؟» گفت: «بله، از من چه چیزی می خواهی؟!» گفتم: «من می خواهم بزرگترین جادوگر دنیا شوم». او گفت: «باشه من این قدرت را به تو می دهم اما هر چیزی به سادگی به دست نمی آید، من به تو قدرت یخ می دهم و با تکان دادن دست هایت می توانی یخ را هدایت کنی» هنوز حرفهایش تمام نشده بود که من گفتم: «می خواهی از من تست یخ بازی بگیری؟!» و بعد خندیدم. او گفت: «نخیر، وقتی به تو قدرت یخ را دادم باید شایستگی خود را نشان دهی با یک غولی که هزار برابر توست با همان قدرت یخ بجنگی، اگر توانستی آن را نابود کنی آرزویت را برآورده می کنم و اگر نه برآورده نمی کنم، ولی اگر نمی خواهی و می ترسی، می توانی بروی تصمیم با خودت است. ولی گفته باشم همانطور که دیدی در کتاب نوشته بود تا به الان به غیر از تو نه دختر دیگر هم برای برآورده شدن آرزوشان به اینجا آمدند؛ پنج نفر آنها منصرف شدند و آن چهار نفر دیگر هم که قبول کردند فقط یک نفر آنها زنده ماند و سه نفر دیگر مردند». من گفتم: «قبول است» من با غول می جنگم و زنده از این جنگ بیرون می آیم، همین حالا غول را احضار کن!» غول را احضار کرد، گفت: «تاسه می شمارم بعد شروع کنی: یک، دو، شد که بگم سه؛ جنگ شروع شد». غول با شدت به سمتم دويد. خیلی ترسیدم ولی سعی کردم به درخت و غول نشان دهم که من شجاعم، محکم لگدی به پایم زد و من افتادم. بلند شدم و خشمگین فریادی کشیدم و به سمت او دويدم و با یخ به سر او زدم، او به زمین افتاد؛ از خوشحالی فریاد کشیدم و هی می گفتم: «هورا، هورا!» یک دفعه بلند شد و مرا در مشتش گرفت و گفت: «ای دختر ساده! من تو را گول زدم، من تنها زمانی میمیرم که به قلبم بزنی!» بعد خندید دوباره گفت: «البته نه با آن دست های اندازه نخود با یخ!» بعد دهانی که صد برابر سر من بود را باز کرد و... ناگهان از خواب پریدم و به خود گفتم: «بهترین خوابی بود که دیدم؛ البته به غیر از آن قسمت آخر که مرا در مشتش گرفت و می خواست بخورد». و بعد خندیدم.



پریا غفاری

وارد زیرزمین خونه ی مادر بزرگم شدم، بین وسایل کهنه داخل انبار دفتر و قلمی را دیدم که بالای آن نوشته بود که: «نوشتن در این دفتر خطرات خود را دارد». به فکر فرو رفتم و با خود گفتم: «یعنی چه؟! چرا باید خطرناک باشم؟! قلم را برداشتم دفتر را باز کردم، تا قلم را نزدیک برم اضطراب سرتا پای وجودم را فرا گرفت. دستم را عقب کشیدم، بین دوراهی مانده بودم، بنویسم یا ننویسم. آخر من آدم کنجکاو و ماجراجویی هستم. دو مرتبه قلم را نزدیک برم و شروع به نوشتن کردم، از آرزوهایم نوشتم، اما اتفاقی نیفتاد. با خود فکر کردم که شاید نوشته ی روی دفتر سرکاری باشد. در همین فکر بودم که یک قلم به عقب برداشتم. ناگهان زیر پایم خالی شد. چشم باز کردم، من در جنگلی بودم، جنگلی زیبا و انبوه. سرم را چرخاندم حیوان هایی دیدم که عکس آن ها را در کتاب ها و مجلات دیده بودم. ماموت ها، دایناسورها، کرکس ها، تیز دندان ها. من به گذشته سفر کرده بودم و نمی دانستم باید چه کار کنم. ایستادم تمام جنگل دور سرم می چرخید. چند دفعه نفس عمیق کشیدم، چشمانم را باز کردم و به سمت یک درخت بزرگ رفتم و آنجا پناه گرفتم. خوب اطرافم را تماشا کردم. حالا باید چه کاری کنم؟ چه جوری به زمان

بازنویسی «شکرگزاری»



دینا دیلم کتولی

روزی روزگاری در روزگاران کهن دو مردی زندگی می کردند. مرد اول تاجری ثروتمند و بی نیاز از مال دنیا بود، او هر چیزی که میخواست به دست می آورد و همه چیز داشت به جز قلب پاک و بخشش به دیگران و هیچ گاه به خاطر دارایی و شرایطش راضی و شکرگزار نبود و از خدا ناشکری میکرد. مرد دوم درویشی تهی دست بود ولی از شرایطش راضی بود و خدا را شکر می کرد حتی به اندازه ی توانش به فقیران دیگر هم کمک می کرد. یک روز در شهر بیماری ناشناخته ی واگیر داری پخش شد. تاجر و مرد فقیر هم به آن بیماری مبتلا شدند. با تفاوتی که تاجر از خدا گله می کرد ولی مرد فقیر شکرگزار بود و در آن حال از خدا تشکر می کرد و می گفت: «خدایا! راضی ام به رضای تو». ماهرترین طبیب شهر نزد تاجر آمد ولی تاجر درمان نشد و تمام ثروتش را در راه ملاوا از دست داد و در آخر جان خود را از دست داد. اما مرد فقیر از بیماری جان سالم به در برد و به طور شگفت انگیزی زنده ماند. مردم شهر همه حیران ماندند و با خود گفتند: «اینجاست که می گویند: «شکر نعمت، نعمت افزون کند. کفر نعمت از کف بیرون کند».

یک آرزو



سنا شهابادی

یک روز آفتابی چشمانم را باز کردم، موهایم را شانه زدم بعد صبحانه خوردم. بعد لباس بیرونی ام را پوشیدم تا به کتابخانه ی شهر بروم. وقتی به آنجا رسیدم به خانم کتابدار گفتم: «سلام» او گفت: «سلام سنا خوبی؟ امروز چه کتابی می خواهی؟» گفتم: «خوبم ممنونم، اگر راستش را بخوای از کتاب رویایی و خیالی خیلی خوشم می آید». او گفت: «خب خب نمی خواهی بیشتر توضیح بدهی، فهمیدم امروز چه کتابی می خواهی. بیا این طرف می خواهم یک کتابی را به تو نشان بدهم». من هم به دنبال او رفتم. کتابی نشانم داد که بی نظیر به نظر می رسید و اسمش درخت آرزو بود. من به خانه رفتم. بعد از خوردن ناهار به مادرم گفتم: «مادر عزیزم امروز یک کتاب از کتابخانه گرفتم الان هم خیلی مشتاقم که آن را بخوانم». مادرم گفت: «باشه نازنینم برو کتابت را بخوان اگر کاری داشتیم صلايت ميزنم».

به اتاقم رفتم و کتاب را باز کردم و شروع به خواندن آن کردم. آنقدر قشنگ بود که نفهمیدم کی تمام شد. پنجره را نگاه کردم دیدم شب شده است. وقتی پنجره را باز کردم باد زد و صفحه کتاب ورق خورد، یک دفعه دیدم یک صفحه دیگر هم آخر کتاب است؛ در آن صفحه نوشته بود: «ای دهمین دختر که این متن را میبینی من فقط در چشمان آدم های شایسته پدیدار می شوم، تو شایسته بودی!» بعد آدرس درختی را نوشت و گفت: «آن درخت، درخت آرزوهاست».

مادرم در اتاق را زد تا برای شام بروم، ولی وقتی در را باز کرد دید پنجره باز است و من آنجا نیستم. من از روی آدرس،

یادداشت دبیر صفحه بودن یا نبودن



آزاده حسینی

شاید این جمله معروف شکسپیر را شنیده باشید که می گوید: «بودن یا نبودن؟ مساله این است». حالا فکر کنیم مساله چیست؟ درس خواندن؟ یاد گرفتن؟ فرار از انجام تکالیف؟ مساله چیست؟ مساله آزمون های پایان سال تحصیلی است؟ مساله انتخاب رشته و شغل آینده است؟! مساله هر چه که باشد، فقط در صورت زنده «بودن» است که مساله ها به وجود می آیند. در زندگی هیچ چیز ارزشمندتر از خود زندگی نیست. اما زندگی خود مساله ای است که مدام طرح می شود. هر بار مساله ای در مساله دیگر. و برای هر مساله شاید گاهی هیچ راهی وجود ندارد یا گاهی آنقدر راه وجود دارد که نمی توان شمرد. تنها مرگ است که چاره ای ندارد. اما زندگی آنقدر نزدیک است که با تمام وجود باید آن را درک کرد و قدر آن را دانست. شما نظرتان در مورد زندگی چیست؟ مساله های خود را در برهه ای بنویسید و آمار بگیرید ببینید چند مساله در زندگی دارید؟ خوب است هر آدمی آمار مساله هایش را داشته باشد.

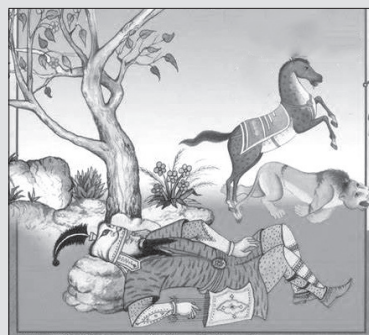


هفت خوان بخوانیم

اردیبهشت را با نام سعدی آغاز کردیم و به زودی به استقبال روز بزرگداشت فردوسی خواهیم رفت. شاید از فردوسی نام داستان «هفت خوان رستم» و «هفت خوان اسفندیار» را شنیده باشید. در زندگی وقتی کار مهمی پیش می آید که برای رسیدن به هدفی باید از مسیری طولانی و پر چالش عبور کنیم؛ اصطلاحا می گویند: «باید از هفت خوان بگذری!»

پیشنهاد هفته:

در اینترنت «هفت خوان رستم» را جستجو کنید تا با هم بخوانیم. کیکاووس پادشاه ایران، در ماجراجویی هایش، به نبرد با دیو مازندران می رود و آنجا اسیر می شود. رستم پهلوان ایران مانند همیشه برای نجات کیکاووس، سوار بر رخس می شود و شتابان به سوی مازندران می رود.



چشمان خود را از من ربودی
هنوز هم برای من شیرینی
دگر نمانده برایم هیچ دینی
تا قلم می گیرم به دست، قلم از تو می
شود جاری
تمام سخنانم شده از تو، تویی که
معلوم نیست دشمنی یا یاری
من هنوز خیالت را دارم در قلم
رویای شیرینم، می خواستم برایم باشی
همدم
ماندگاری در ذهنم شیرین
چه کنم از خیالت آسوده شوم جان
آفرین؟

عشقم به تو مانند عشق به وطن
کاش برگردی، دگر طاقتی ندارد این تن
بدون تو می گذرانم فقط زندگی را
بدون تو ایستاده ام اینجا تک و تنها
تو که بودی زندگی داشت طعم شیرینی
اما خب، دگر حتی مشام خوشی
نمی رسد به بینی

تو را در دوردست های ذهنم هم می
شود کرد پیدا
نمی دانم چرا عشقم به تو ندارد انتها
فراموشی بهتر است می دانم
اما بدون تو اینگونه چه کنم که نمی توانم
بی تو بودن هست برایم دردناک
اما خب از تنهایی هم دگر ندارم پاک
زیادی رفتی و برگشتی محبوبم
بی تو اما باید بمانم و تظاهر کنم که خوبم



سرما، جور دیگری آرامش بخش است.
هوای تازه برفی را به عمق ریه هایم
می فرستم؛ بوی خاص برف، آن عطر
خنک و تند که همیشه یادآور خاطرات
دور است.
انعکاس نور خورشید از آینه برفها به
چشمم کوبیده می شود و برای لحظه
ای پلکهایم را روی هم می گذارم. چشم
که باز می کنم، انگار در دنیایی دیگرم،
در سرزمینی از سفیدی، پاک، سکوت.
جوری غرق این حس لذت بخش می
شوم که بدون فکر به چیزی، سریع پالتو
و کلاه و شالگردن را برداشتم و از خانه
بیرون زدم. قدم اول را روی برفها میگذارم،
که احساس نرمی و صدای خش خش
لذت بخشی سکوت را می بلعد. این
لحظه، این سرما، این زمستان؛ همه چیز
روایی به نظر می رسد. روایی که کسی
جز خدا نمی توانست تدوینگرش باشد، و
همه اینها پیام آن تدوینگر بی نیاز است.

بی تو

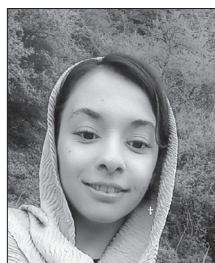


سیده زهرا علوی نژاد

من هنوز هم چشم انتظارم
من هنوز رویای تو را دارم
آسمانم ماهش تو بودی

افکارساز این فکرها را مدام می فرستاد.
چرا نگین درس نمی خونه؟
حالا انتخاب واحد دانشجوها را چکار
کنم؟
یعنی چهارشنبه تعطیل؟
فردا نهار چی بپزم؟
برگه ها رو تصحیح نکردم!
چرا در گنجه بازه؟ گربه دمش درازه؟
من که سرم درد گرفت و فرار کردم.
بیدار شدم، ای داد بی داد! همه
این ها خواب بود ولی باعث شد
دیگه چنین فکری به سرم نزنه.

تدوینگر بی نیاز



پرستو علاءالدین

پرده را کنار می زنم و از پشت پنجره ای که
پر از قطرات آب ناشی از هوای سرد است،
به بیرون خیره می شوم. همه جا یکدست
سفید شده و آن قندیل های غول آسای
یخ از لبه ایرانیت ها آویزان مانده اند. انگار
که طبیعت غرق در سکوت، تکه هایی
از زمان را درون آن قندیل ها حبس کرده
است. با اینکه حتی دیدن این منظره، سرما
را به استخوانم رساند، اما با لجبازی پنجره
را باز می کنم و سرم را بیرون می برم. بادی
سرد و تند، موهایم را پریشان و سرخی
را مهمان گونه هایم می کند، اما این

ولی کنار هم کاملترین افراد این شهر
بودیم؛ ولی نمیدانم که برای چه قدر
من را ندانستی! من همیشه به یادت
می مانم و عشقت در قلبم تا زمانی
که زنده هستم خواهد ماند؛ و در هر
زمانی که نیاز به کمک و یک همراه
داستی، من همیشه آماده کمک هستم.



فائزه رسولی

زخم در درون من به تکثیر می رسد و
خون گلویم را در خود می بلعد. طعم
گس و سرد خون را میان لبان خود
احساس می کنم. تنم جز گوشت تر
هیچ ندارد. مغزم ورم دارد و قلبم درد
می کند. هر روز با سایه خود به نزاع می
ایستم و شبها از نبودش به درد ناله می
کنم. بوی تعفن واژگان بی اساس مرا به
خود میبرد. این واژه نحس «دوست دارم»
پر از واج های گندیده و شوم است و
وقتی این جمله را می شنوم بوی عفونت
می آید. نمی دانم این مردم احمق چه
اصراری به گفتن این جمله تعفن بر
انگیز دارند. روزی این جمله را به همراه
تمام خنزل پنزل هایش به اشغالی
می اندازم و بر روی پلاستیک های
پلاشیده و سوخته اش پیانو خواهم زد.

افکار مادرم



یسری شهواری

شبی از شب ها آرزو کردم کاش می
توانستم به افکار دیگران سفر کنم، زیرا
همیشه دوست داشتم بدانم افکار دیگران
چگونه است. تا اینکه خوابم برد. نوری
تابید و اذیت شدم، اما بالاخره بیدار شدم
و دیدم خیلی کوچک شده ام و دو بال
هم دارم. رفتم سمت اتاق مادرم. مادرم
خواب بود و تصمیم گرفتم افکارش را
بخوانم. از طریق چشمش به مغزش راه
پیدا کردم و به دروغ مغزش سفر کردم؛
تا به ساختمانی گسترده رسیدم. دیدم
تک تک سلول های مغز مادرم مشغول
کاری هستند. یکی از سلول ها تخیل می
سازد، یکی دیگر از سلول ها تصویر می
سازد، سلول تصویرساز به سلول افکارساز
گفت بیا آینده را به تصویر بکشیم.
من وقتی می خواستم بقیه صداها را
گوش دهم یک فرد آنجا مرا بیرون کرد
و نتوانستم متوجه بقیه چیزها بشوم.
من به بخش دیگر ساختمان رفتم که

شور عشق: فرشته زمینی



فاطمه لاک تراش

در خانه مادربزرگم نشسته بودم، بوی قرمه سبزی
مرا از خود بی خود می کرد. مادربزرگ با دقت و
عشق، ادویه ها را به خورشفت اضافه می کرده هر
بار که به او نگاه میکردم، چهره اش پر از محبت
و آرامش بود. «مادربزرگ؛ چه بوی خوبی
می آید!» مادربزرگ گفت: «دخترم؛ این عطر
عشق است، عطر عشق من به تو و خانواده ام».
این جمله در دلم جایی خاص پیدا کرد.
مادربزرگ همیشه با کلماتش، عشق را به من
می آموخت. نهار آماده شد و مادربزرگ سفره
را چید. در کنار هم نشسته بودیم و درحالی
که غذا میخوردیم، من به او نگاه می کردم و
احساس می کردم که این لحظات گنجینه
ای از عشق هستند. هر لقمه ای که میخوردم،
عطر محبت و فلاکاری او را در خود داشتم.
بعد از نهار، در حیاط نشسته بودیم، و او
برایم از گل ها و درختان باغش می گفت.
هر کلامش مانند یک درس زندگی بود، و
من با دقت به هر کلمه اش گوش می دادم.
«دخترم، عشق مانند این گلهاست، باید از آن
مراقبت کنی و به آن آب بلعی تا شکوفا شود.
ساعتی گذشت و وقت رفتن به خانه ام شد.
مادربزرگ مرا در آغوش گرفت و گفت: «عشق تو
به من، زندگی ام را روشن می کند. هرگز فراموش
نکن که تو همیشه در قلب من خواهی بود».
«مادربزرگ؛ تو بهترین هدیه ای هستی که
خداوند به من داده و من تو را با تمام وجودم
دوست دارم». مادربزرگم بهترین دوست و معلم
زندگی ام بود، کاش بیشتر قدرشناس او بودم
اما حیف که او دیگر در کنار من نیست و
نمی توانم آن نگاه های پر مهر و محبتش را ببینم.

مرور خاطرات



ویانا روح افزایی با هم کاری رومینا روح افزایی

رفتی؛ ولی بدان که عشقت در قلبم،
دست در دستم، و مهربانی ات در ذهنم
باقی می ماند.
نمیدانم که برای چه و چگونه توانستی
مرا ترک و دلت را از من جدا کنی؛
اما این را بدان که خاطراتمان در ذهنم
باقی می ماند و من آنها را هر شب و
در هر مکانی در ذهنم مرور میکنم.
بدان که کسی شبیه به من و
تو نمی شود و من نمیدانم که
کجای شهر را باید بگردم که
خاطره هایمان برای مدتی از یادم
برود. با اینکه ما متضاد یکدیگر بودیم



برابر رأی ششما ۱۰۶۷-۱۲۲۰، ۱۴۳۰ مورخ ۱۴۳۲، ۱۴۳۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف و وضعیت پلاک اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشان تصرف مالکانه برعکس مقتضای آقای خانم موسی شیخ نیا فرزند حسین به شناساندن سند شماره ۴۱۰ کدملی ۸۳۳/۶۹۶۹۶ صادر از شهرستان کالاه در شناسایی یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۰۰۰ مترمربع فروز و مجزا شده از پلاک ۸۶- اصلی واقع در ارضی قریه قراولو بخش ۵ شهرستان کالاه خریداری بواسطه ار مالک رسمی آقای خانم فقیه رجبی مرکز گردید. ثبت، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز گاهی از تاریخ صدور این احکام نسبت به صدور سند مالکیت مقتضای اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار تا اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اظهار طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۱/۰۶/۱۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۱/۰۶/۱۸

سرلاری - رئیس ثبت اسناد و املاک کالاه م الف ۸۱/۸۱

برابر رأی شماره ۱۲۰۰۰۰۴۷۱۳۱۰۱۴۰۳۱۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۶ هجرات اول موضوع قانون ملکی و تکلیفی و وضعیت ثبت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک در استان اصفهان که با مالکانه با اعتراض آقای/خانم حمیده یزدی مقدم در غلام رضا به شهادتنامه شماره ۳۷۷ کدملی ۸۶۹۸۵۲۷۵۷ صادره از شهرستان اصف در ششادگی یک قطعه زمین با بنای حداثی به مساحت ۲۲۱,۸۷ مترمربع مغرور و مجزا شده از پلاک ۲۴ فرعی از ۲۱۲- اصلی واقع در ریه پوچمز بخش ۹ شهرستان اصف خوبرای مع الواسطه از مالک رسمی آقای/خانم تقی زار دردی خود در صورتی که گریه است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۷۰ روز آهنگر می شود در محضر که اشخاص نسبت به صدور سند تکمیلی تقاضای اعتراض داشته باشند می توان آن تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسکیر اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای اول مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۳/۰۱/۲۴ و نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۳/۰۲/۰۴
رییس ثبت اسناد و املاک کلاهم الف ۸۱۶۵

برابر رای شماره ۱۲۸۴، ۱۳۰۰، ۱۳۱۲، ۱۳۳۶ مورخ ۱۲۶۶، ۱۳۰۳ هیت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وصیعت ثبتي اراضي و ساختمان ها فاقد سند رسمي مستقار بر واحد ثبتي حوزه ثبت ملک کلاک تصرفات مالکانه بااعراض متقاضی شرکت کار استان گلستان به شناسنامه ۱۳۸۷، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ هر قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۸۵ مترمربع عرصه ۱۳۸۵، مجزا شده از پلاک ۵۲ فرعی از ۲۰۲-اصلي واقع در قریه صالح آباد بخش ۹ شهرستان آمل که منظور اداری عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱ روز یکی می شود در صورتی که شخصان نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض اعترض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اسناد گهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

رایج انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۱/۰۴/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۱/۰۴/۲۰

بنام سرلاری - رئیس ثبت اسناد و املاک کلام الف ۸۱۸۰

[illegible][illegible]

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ - آئین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک ارمیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:
- آرای شماره ۷۶۴/۱۰۰۰۰۳۲۰/۱۳۰۳۱۶ در پرونده کلاسه ۴۲/۱۰۰۰۰۴۲۰/۱۳۰۱۱۴۴/۱۴۰۲ تصرفات مغزویی و مالکانه آقا نوروز تاج محمدی در شهرمسجد به برصورت سند مالکیت نسبت به شواهد یک قطعه زمین مزبوره به مساحت ۳۳۳۰۰ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۱۴ - اصلی و - استانی گلستان شهرستان ارمیان شهر خان ببین روستای نی تپه بخش ۷ حوزه ثبتی ارمیان که انتقال ملک عم الواسطه از ملک رسمی (قراب جباری نی تپه) سند تراندنس سند اصلاحات اراضی به شماره ۲۷۳۷ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۳) در صورتی که اشخاص ذیل نفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند باید تا اولین تاریخ انتشار آگهی در دو رستا ها از تاریخ الصاق در محل تا ده ماه اعتراض خود را با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک ارمیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، متعرض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مباردت به تقدیم درخواست به دادگاه عمومی محل نمایان و گواهی تقدیم درخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک ارمیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات به صورت معمول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مباردت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعۀ مقضربه به دادگاه نخواهد بود.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵ (دوشنبه) تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ (چهارشنبه)
لیلا کاغلو - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ارمیان الف ۸۲۵۳

[illegible][illegible]

در اجرای ماده قانون تعیین تکلیف و وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-

[illegible][illegible]

دیندوسکیب اعلام میگردد به استناد ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیفیات تحدید حدود و شرفات اعیانی کیسب ساختمانها باضماف ۱۰ سهم از ۹۰ سهم از طرف صاحبان عرصه که اراضی آن وقت است و به مساحت ۲۰۷۸/۰ مترمربع از برای پلاک ۹۰۴ فرعی از ۸۳ اصلیه واقع در محله امیرآباد بخش ۲ حوزه ثبت منطقه ۲ گرگان ملکی شرکت آب منطقه ای گلستان در ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ به آدرس گرگان- ابتدای جاده آق قلا - جنب پارک کشاورز کدپستی ۴۹۱۳۳۳۱۰۰ به عمل خواهد آمد از یو چنانچه مجاور ی نسبت به حدود یا با حقوق ترفاقی برای حق خود قابل است میواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبت دادخواست به مرجع بدیصال حاضر قضائی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت با نمایندة قانونی یو میواند بدادگاه مربوطه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات میادزت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

تاریخ انتشار: چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

نایب شاه شهری - کمبل از طرف استناد و املاک منطقه دو گرگان- شناسه آگهی ۱۹۲۰۷۷۵

پایان‌نویسه‌ای اعلام می‌کردد به استناد ماده ۱۸۱ آیین نامه قانون تعیین تکلیفیات تحدید حدود شهبانداران، قطع‌ه زمین مزروعی به مساحت ۹۷۵۰ مترمربع دارای افاق ۱۵۳۶۷ فرعی از ۳ اصل‌ی واقع در اراضی اوزنه بخش ۳ حوزه ثبت منطقه ۲ گران‌گام ملک ابراهیم کوکهن فرزند انور در ساعت ۵ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۲/۳۱ به آدرس گران‌گان- انتهای طالقانی یکم - سمت چپ کلدپستی ۴۹۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ به عمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاورتی نسبت به حدود یا حقوق کلدپستی فوق‌الذکر برای حق خود قائل است می‌تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورت‌مجلس تحدیدات متعلقه اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره ملک به اداره ثبت شهرستان گران‌گان تسلیم نموده و علاوه بر آن از طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست‌ها در صورتی که دیکتایسار در تقدیم‌نامه‌ی تقدیم‌نامه‌ی در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نمائنده‌ی ثبت وی می‌تواند بدادگاه مربوطه و گواهی علم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند خواهد نمود.

تاریخ انتشار: شنبه مورخ ۱۴۰۴/۲/۱۴

۱۴۲۱/۱/۲۷ - کشتل‌آره ثبت اسناد و املاک منطقه ده گان- ششابه آگه. ۱۳۹۱۱۰۹

چگونه گلستان میزبان ریزگردها شد؟

به کشاورزان توصیه شده است. این اقدام نه تنها به محیط زیست کمک می کند، بلکه درآمد اقتصادی قابل توجهی نسبت به کشت غلات، که در خشکسالی ها اغلب بی حاصل است، نصیب کشاورزان می کند. رحمانی افزود: در نهایت، ترویج کشت گیاهان صنعتی برای تولید سوخت سبز یا بیودیزل، به عنوان راهکاری نوآورانه، در برنامه های بلندمدت گنجانده شده است که این اقدام، ضمن کمک به محیط زیست، می تواند اقتصاد منطقه را نیز تقویت کند.

چالش های پیش رو:

بودجه، تورم و ضرورت مشارکت

اداره منابع طبیعی گنبدکاووس، با وجود تلاش های چندساله در همکاری با جوامع محلی و شرکت های تعاونی مرتع داری، با موانع جدی روبه روست. رحمانی گفت: ما هر سال بودجه ای برای تولید یک میلیون بوته نهال مرتعی و غرس آن در هزار و ۲۰۰ هکتار دریافت می کنیم اما این مقدار برای گنبدکاووس، با ۲۰۰ هزار هکتار مرتع در معرض خطر، کافی نیست. وی نیازهای مالی این اداره را این گونه بر می شمرد: برای اصلاح و احیای مراتع، حداقل ۳۰۰ میلیارد ریال، برای طرح های آبخیزداری، مانند ساخت و مرمت آب بندها، ۳۵۰ میلیارد ریال و برای تهیه طرح مدیریت جامع بهره وری زمین در اراضی شمالی گنبدکاووس، ۱۵۰ میلیارد ریال در سال نیاز داریم. محدودیت های مالی تنها مشکل نیست. تورم و افزایش هزینه ها اجرای پروژه ها را کند کرده است. رحمانی معتقد است: در کنار افزایش بودجه دولتی، مشارکت جوامع محلی راهکاری کلیدی است. وی پیشنهاد داد: کشاورزان اراضی کم بازده خود را به مراتع خصوصی تبدیل کنند و با کاشت گیاهانی مانند آترپلکس یا درختان مقاوم، هم به محیط زیست کمک کنند و هم درآمد پایداری به دست آورند.

آینده سبز در گرو عزم همگانی

پدیده ریزگردها، فراتر از یک مشکل زیست محیطی، تهدیدی برای سلامت، اقتصاد و معیشت مردم گلستان است. اگرچه منشأ خارجی این بحران، یعنی صحرای قره قوم، خارج از کنترل ماست، اما با اجرای زنجیره ای از اقدامات مقابله ای، مدیریت صحیح منابع طبیعی و مشارکت فعال کشاورزان و جوامع محلی، می توان اثرات آن را به حداقل رساند. گلستان، این سرزمین پربار و سرسبز، امروز در آزمون بزرگ قرار دارد. حفظ مراتع، احیای تالاب ها و مقابله با بیابان زایی، نه تنها وظیفه ای زیست محیطی، بلکه رسالتی برای نسل های آینده است. آینده این خطه در دستان ماست؛ عزمی راسخ، همکاری جمعی و سرمایه گذاری هوشمند می تواند بار دیگر آسمان گلستان را آبی و مراتعش را سبز کند.



ادامه این برنامه، مدیریت منابع آبی در اولویت قرار گرفته است. حفظ حق آبه زیست محیطی تالاب ها، جلوگیری از احداث سد های جدید و ترویج کشاورزی صنعتی به جای روش های سنتی، گام هایی کلیدی برای کاهش فشار بر منابع آبی هستند. همزمان، کاشت درختان سریع الرشد و ایجاد بادشکن های طبیعی در اطراف زمین های کشاورزی، به ویژه در مناطقی با بادهای چندجهته، برای کاهش فرسایش بادی در دستور کار قرار دارد. وی افزود: اداره منابع طبیعی همچنین از اجرای هلالی های آبگیر با ظرفیت ذخیره ۷۰۰ لیتر آب خبر داده است. این سازه ها، که روان آب های ناشی از بارش های رگباری را هدایت می کنند، نه تنها پوشش گیاهی مراتع را تقویت می کنند، بلکه از فرسایش خاک و بیابانی شدن جلوگیری کرده و سفره های آب زیرزمینی را تغذیه می کنند. رئیس اداره منابع طبیعی گنبدکاووس بیان کرد: در راستای این اقدامات، طرح ترسیب کربن در مناطق شمالی گنبدکاووس، مانند حوزه آق بند و ماسان کوب، به عنوان پروژه ای برای توسعه پایدار روستایی کلید خورده است. رحمانی ادامه داد: این طرح، که به ۳۰ تا ۵۰ میلیارد ریال اعتبار نیاز دارد، با تمرکز بر بهبود معیشت مردم محلی، ایجاد اشتغال پایدار، کشت گیاهان دارویی و توسعه آگروتوریسم (گردشگری کشاورزی)، به احیای مراتع تخریب شده و کاهش مهاجرت روستاییان کمک خواهد کرد. وی اظهار کرد: مدیریت چررا و قرق مراتع نیز بخش دیگری از این برنامه است. با جلوگیری از چرای بی رویه دام و ایجاد مراتع خصوصی، فشار بر منابع طبیعی کاهش می یابد. رئیس اداره منابع طبیعی گنبدکاووس گفت: در این راستا، تبدیل زمین های کم بازده به مراتع خصوصی با کاشت آترپلکس یا درختان مقاوم به کم آبی،

طبیعت سرسبز، میزبان ریزگردها شده است، گفت: این پدیده نتیجه ترکیبی از عوامل طبیعی و انسانی است. تغییر اقلیم، گرمایش زمین، کم بارشی و خشکسالی های متوالی از یک سو و از سوی دیگر، اقدامات انسانی مانند تخریب پوشش گیاهی مراتع، کشت در اراضی کم بازده و آسیب به منابع طبیعی، زمینه ساز این بحران شده اند. وی تأکید کرد: اگرچه منشأ خارجی ریزگردها، یعنی صحرای قره قوم، نقش مهمی دارد، اما عوامل داخلی نیز به همان اندازه مقصرند. وقتی مراتع تخریب می شوند، تالاب ها خشک می شوند و خاک به دلیل فرسایش بادی و چرای بی رویه سست می شود، نتیجه اش تولید ریزگردهایی است که نه تنها گنبدکاووس، بلکه کل گلستان را در بر می گیرد.

پدیده ریزگردها در شهر گنبدکاووس

کارشناسان منابع طبیعی برای مهار این بحران، زنجیره ای از اقدامات پیوسته و هماهنگ پیشنهاد کرده اند که اجرای آنها نیازمند همکاری دولت، کشاورزان و جوامع محلی است. این راهکارها، که ترکیبی از دانش بومی و فناوری مدرن را در بر می گیرند، به صورت یک برنامه منسجم و خبری ارائه می شوند. اداره منابع طبیعی گنبدکاووس اعلام کرد که برای مقابله با ریزگردها، در گام نخست، کاشت گیاهان مقاوم به شوری و کم آبی مانند آترپلکس در اراضی کم بازده شمال گلستان آغاز می شود. این گیاه دائمی، که سالانه ۸۰۰ کیلوگرم تا یک تن علوفه تولید می کند، نه تنها جایگزین کشت غلات کم بازده می شود، بلکه با تولید بذر در سال دوم، درآمد پایداری برای کشاورزان به ارمغان می آورد. منابع طبیعی متعهد شده است که نهال و مشاوره رایگان در اختیار متقاضیان قرار دهد. رحمانی افزود: در

در میان جنگل های انبوه و مراتع پهناور گلستان، مهمانی ناخوانده آرامش این سرزمین را بر هم زده است؛ ریزگردها. این ذرات معلق که گاه با توفان های چرخشی و گردبادهای سهمگین همراه می شوند، از چند سال پیش آسمان شهرهای این استان شمالی، از جمله گرگان و گنبدکاووس، یکی از کانون های اصلی آن، را تیره و تار کرده اند. به گزارش ایرنا، کارشناسان منابع طبیعی و آبخیزداری هشدار می دهند که بی توجهی به این پدیده می تواند آینده این سرزمین را به سوی بیابانی شدن سوق دهد. پدیده ریزگردها در گلستان ریشه در دو منشأ اصلی دارد: خارجی و داخلی. بخش عمده این ذرات از صحرای خشک و وسیع قره قوم در ترکمنستان، جایی که بارش سالانه اش به زحمت به ۱۵۰ میلی متر می رسد، با وزش بادهای بی امان به سوی گلستان روانه می شود اما این تنها بخشی از ماجراست. عوامل داخلی نیز نقشی کلیدی در تشدید این بحران ایفا می کنند. تخریب مراتع، تبدیل آنها به زمین های کشاورزی کم بازده، خشکسالی های پیایی در دهه اخیر، خشک شدن تالاب ها به دلیل کم آبی، و چرای بی رویه دام خاک این سرزمین را مستعد فرسایش و تولید ریزگرد کرده اند. به گفته اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان، از مجموع ۸۶۲ هزار هکتار مرتع این استان، ۳۶۱ هزار هکتار، به ویژه در نواحی شمالی، در معرض خطر بیابانی شدن قرار دارند. این آمار هشدار جدی است برای شتاب بخشیدن به اقدامات مقابله ای، پیش از آنکه این سرزمین سبز به دشتی خشک و بی حاصل بلل شود.

گنبدکاووس؛ سنگر نخست در برابر هجوم ریزگردها

در میان شهرهای گلستان، گنبدکاووس با جمعیتی بالغ بر ۴۰۰ هزار نفر، در خط مقدم این نبرد زیست محیطی قرار دارد. این شهرستان، که ۳۶۱ هزار هکتار از مراتع گلستان (معادل ۴۰ درصد کل مراتع استان) را در خود جای داده، با چالشی عظیم روبه روست: ۲۰۰ هزار هکتار از مراتع آن در آستانه بیابانی شدن است. این رقم، که دوسوم مراتع گنبدکاووس را شامل می شود، نشان دهنده عمق بحرانی است که زندگی ساکنان این منطقه را تهدید می کند. فرشید رحمانی، رئیس اداره منابع طبیعی گنبدکاووس وضعیت را این گونه توصیف می کند: گنبدکاووس، به دلیل وسعت مراتع در معرض خطر و همجواری با صحرای قره قوم، بیش از دیگر مناطق گلستان در معرض هجوم ریزگردها قرار دارد. این تهدید، ضرورت اجرای طرح های فوری مانند اصلاح و احیای مراتع، مدیریت چررا، ایجاد هلالی های آبگیر و مقابله با بیابان زایی را دوچندان کرده است.

علل ریشه ای؛ تقابل اقلیم، انسان و طبیعت

رحمانی در پاسخ به این پرسش که چرا گلستان، با

اوقاف در مرمت بناهای تاریخی و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی برای احیای بافت تاریخی گرگان تأکید کرد. وی همچنین توسعه گردشگری مذهبی را با ساماندهی اماکن زیارتگاه ها، گامی مهم در جذب گردشگر دانست. مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان گلستان، با اشاره به فصل های مشترک میان حوزه گردشگری و فعالیت های اوقاف، گفت: بخش قابل توجهی از بناهای بافت تاریخی گرگان متعلق به اوقاف است و همکاری های دوجانبه می تواند زمینه احیای این بافت ارزشمند را فراهم کند. وی افزود: در نخستین گام باید گزارشی جامع از وضعیت موجود تهیه و سپس موضوعاتی مانند مرمت، برآورد هزینه ها، تغییر کاربری و سایر نیازها توسط مشاوران و پیمانکاران متخصص بررسی شود. مدیرکل میراث فرهنگی استان گلستان با تأکید بر اهمیت ورود سرمایه گذاران به این حوزه گفت: تسهیل حضور

بخش خصوصی از طریق بسته های حمایتی و مشوق های سرمایه گذاری مشترک، می تواند روند مرمت و بهره برداری از ابنیه تاریخی را سرعت ببخشد. فعالی همچنین پیشنهاد برگزاری یک همایش مشترک سرمایه گذاری با محوریت ابنیه تاریخی در تملک اوقاف را مطرح کرد و افزود: برای برگزاری این همایش باید گزارش نهایی وضعیت بافت تاریخی و بسته های حمایتی آماده شود. وی به اهمیت تسهیل شرایط زندگی و فعالیت اقتصادی در بافت تاریخی گرگان نیز اشاره کرد و گفت: مردم این منطقه به دلیل ثبت ملی و تاریخی، با محدودیت هایی روبه رو هستند که باید با برنامه های حمایتی برطرف شود. فعالی با اشاره به ظرفیت های بالای گردشگری مذهبی در استان، اماده یحیی بن زید (ع) در گنبدکاووس و زیارتگاه حضرت خاندن نبی (ع) در کاله را از مهم ترین این مراکز معرفی کرد و گفت: نشست های مشترکی با اداره کل اوقاف و هیئت های امنای اماکن زیارتگاه ها برای

ارتقای کیفیت خدمات رسانی به زائران برگزار خواهد شد. وی بر لزوم بهسازی زیرساخت ها و ساماندهی محیط های پیرامونی اماکن تأکید کرد و افزود: با توجه به قرارگیری گلستان در مسیر زائران مشهد مقدس و تنوع فرهنگی موجود توسعه گردشگری مذهبی می تواند نقش مهمی در رونق اقتصادی به ویژه در مناطق روستایی داشته باشد. در ادامه نشست، حجت الاسلام حسین مهدیان، مدیرکل اوقاف و امور خیریه گلستان، از آمادگی کامل این اداره کل برای همکاری با میراث فرهنگی خبر داد و گفت: در گام نخست، بناهای تاریخی در تملک اوقاف در بافت تاریخی گرگان احصا و فهرست خواهند شد. وی با بیان اینکه اوقاف آماده مشارکت در مرمت و احیای این ابنیه است، پیشنهاد ایجاد موزه وقف در بافت تاریخی را مطرح کرد و افزود: این اقدام می تواند نقشی مؤثر در رونق گردشگری و معرفی فرهنگ وقف ایفا کند.

ضرورت مشارکت اوقاف در توسعه گردشگری مذهبی

مدیران کل میراث فرهنگی و اوقاف گلستان در نشست مشترک بر لزوم احیای بافت تاریخی گرگان و توسعه گردشگری مذهبی در استان از طریق همکاری دو طرفه و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی تأکید کردند. به گزارش روابط عمومی، فریدون فعالی در نشست مشترک با مدیرکل اوقاف و امور خیریه استان، بر ضرورت مشارکت